

بررسی رابطه علی بین فقر و فساد در کشورهای در حال توسعه

نادر مهرگان*، الهه محسنی**

مقدمه: فقر یکی از خطرناک‌ترین پدیده‌های اجتماعی است که می‌تواند حیات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک ملت را تهدید کند. با توجه به این که فقر در کشورهای در حال توسعه به صورت گسترده و شتابان بروز یافته است، توجه به این پدیده لازم و ضروری می‌باشد. از سوی دیگر، فساد یک علت فقر و یک مانع برای ریشه کن کردن موفق فقر است که می‌تواند اقدامات کشورهای مختلف را به منظور کاهش فقر بی‌نتیجه سازد. پدیده فساد، مانعی پایدار در جهت اقدامات و تلاش‌های انجام گرفته توسط کشورها در زمینه تغییرات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای رسیدن به اهداف مطلوب آن‌ها تلقی می‌گردد. بررسی‌ها نشان می‌دهد فساد در تمام کشورهای جهان، حتی در بسیاری از کشورهای توسعه یافته وجود دارد؛ اما این پدیده در برخی از کشورهای در حال توسعه که ساختارهایی سست و آسیب پذیر دارند، به مراتب زیان‌بارتر است؛ زیرا اثرات مخربی بر حقوق مالکیت، قوانین و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری داشته و می‌تواند به کاهش رشد اقتصادی منجر شده و در نتیجه فقر را به مرور زمان گسترش دهد. این در حالی است که خود فقر می‌تواند سبب بروز و گسترش فساد شود. راه‌های ارتباط فقر با فساد متعدد و بی‌شمار است و اگرچه این رابطه در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته، اما این سؤال که آیا یک رابطه علی بین فساد و فقر براساس مدل داده‌های ترکیبی وجود دارد یا نه؟، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است. به عبارت دیگر، اکثر مطالعاتی که رابطه بین فقر و فساد را بررسی کرده‌اند، ممکن است به نتایجی در زمینه علیت بین آن دو تنها براساس مدل‌هایی که همبستگی را نشان می‌دهند، دست یافته باشند. بنابراین توصیه‌های سیاستی برای مبارزه علیه فقر و فساد به تنهایی می‌تواند نگران‌کننده باشد. با در نظر گرفتن این محدودیت، تحقیق حاضر جهت بررسی رابطه علی گرنجری بین فقر و فساد^۱ انجام گرفته است.

روش: در مقاله حاضر با استناد به اطلاعات و آمار موجود، از روش تخمین GMM ^۲ و تمرکز بر قابلیت فقر با استفاده از شاخص فقر انسانی (HPI)^۳ که تصویر دقیقی از وضعیت فقر جامعه را به دست می‌دهد، برای نمونه‌ای شامل ۱۲۰ کشور در حال توسعه و دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۶ استفاده شده است. **یافته‌ها:** یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که فقر و فساد هم سو با هم و در یک جهت حرکت می‌کنند. به عبارت دیگر، رابطه علی بین آن‌ها یک رابطه علی دو طرفه است. **نتایج:** نتیجه سیاست‌گذاری این مقاله آن است که استراتژی‌های کاهش فقر و مبارزه با فساد باید مکمل یکدیگر بوده، تلاش در جهت کاهش فقر به وسیله اقدامات جدی برای کاهش فساد دنبال گردد.

کلیدواژه‌ها: فقر، فساد، داده‌های تابلویی (پانل)، روش تخمین GMM ، رابطه علی گرنجری

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۷/۰۹

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۰/۱۳

* دکتر اقتصاد، دانشگاه بوعلی سینا <Mehregannader@yahoo.com> (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه آزاد واحد قروه

۱- در این مطالعه، منظور از فساد، فساد مالی و اقتصادی است.

2- Generalized Method of Moments

3- Human Poverty Index

مقدمه

فقر به عنوان بلا و معضلی که تقریباً نیمی از مردم دنیا را در بر گرفته روز به روز گسترش می‌یابد. در حدود سه بلیون نفر از جمعیت جهان در زیر خط فقر به سر می‌برد که روزانه با مبلغی کم‌تر از دو دلار زندگی خود را سپری می‌کنند^۱. هستی و وجود فقر یا فقیر تنها به معنای سقوط به زیر یک خط درآمد خاص نمی‌باشد. فقر یک پدیده چند بعدی است که به وسیله یک مجموعه از فاکتورهای مختلف به انضمام دسترسی به خدمات ضروری (همچون بهداشت، آموزش، بهسازی و...)، حقوق مدنی ابتدایی، اختیارات و توسعه نیروی انسانی مشخص می‌گردد. داده‌ها و اطلاعات حاکی از آن است که روند توسعه جاری با طرح‌های انجام گرفته قبلی هیچ حرکت و پیشرفتی را در بر نداشته و در برخی نواحی و کشورهای مهم، تنگناها توسعه یافته‌اند.

نابرابری‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وجود آورنده و تشدید کننده فقر و فساد هستند. چنانچه عملکرد اقتصادی کشوری در سطح پایین بوده و یا این‌که سیاست آن کشور بر پایه استبداد و دیکتاتوری قرار گرفته و یا زمانی که برخی از افراد چه از لحاظ نژادی و قومی، مذهبی یا اقلیتی مورد تبعیض قرار گیرند به طور حتم در آن کشور فقر و فساد به صورت فزاینده‌ای رشد کرده و حالت اپیدمی به خود می‌گیرد. گسترش و شیوع فساد در هر جامعه‌ای دارای آثار و پیامدهای ناگوار بسیاری است. فساد با تضعیف انگیزه‌ها، سبب زیان‌های اجتماعی و فرهنگی، با تضعیف نهادهای موجود، باعث زیان‌های سیاسی، و با توزیع ناعادلانه منابع و ضد توسعه بودن، سبب زیان‌های اقتصادی شدید می‌شود. این عوارض مخرب، لزوم مبارزه‌ای فراگیر در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را صد چندان می‌کند. فساد، کارایی فعالیت‌های اقتصادی را از طریق توجه به اعمال فاسد می‌کاهد و کاهش کارایی، به فساد بیش‌تر خواهد انجامید و بین کاهش کارایی و افزایش فساد دور باطلی ایجاد می‌شود که نتیجه آن، حاکمیت گسترده فساد و عوارض ناشی از آن

1- Millennium Development Goals (MDGs)

و شکل‌گیری انگیزه‌های فاسد است.

کاهش کارایی اقتصادی، تخصیص نادرست منابع و توزیع نامناسب درآمدها به‌همراه کاهش انگیزه‌های سرمایه‌گذاری در بلندمدت، بر روی رشد اقتصادی کشور اثر منفی خواهد گذاشت (لیت و وایدمن، ۱۹۹۹)^۱.

فساد، کار تعقیب اصل تخصیص بهینه منابع به‌وسیله دولت را فلج می‌کند و اولویت‌های اساسی در طرح‌های ملی را به‌دست فراموشی می‌سپارد و فعالیت‌هایی اولویت می‌یابند که با منافع نامشروع متصدیان فاسد سازگاری داشته باشند. در این‌جا است که افراد به‌سمت فعالیت‌های نادرست می‌روند و تلاش در جهت دستیابی به درآمدهای فوری و سهل‌الوصول، به‌جای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادها صورت می‌گیرد. فساد یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی فقر بوده و مبارزه علیه فساد یکی از اجزای مهم فرایند کاهش فقر به‌شمار می‌رود. سطوح بالای فساد، شرایط زندگی فقرا را به‌وسیله تحریف کل فرایند تصمیم‌گیری مرتبط با برنامه‌های بخش عمومی تشدید می‌کند. فساد فقر را از طریق مختل کردن برنامه‌های مولدی مانند آموزش و بهداشت به هزینه پروژه‌های سرمایه‌بر بیش‌تری که می‌توانند فرصت‌های بهتری را برای کسب درآمدهای غیر قانونی ایجاد کنند، تشدید می‌کند. نابرابری‌های درآمدی و اجتماعی به‌تناوب در کشورهای فقیر عدم تعادل‌های بیش‌تری را در توزیع قدرت و تشویق فساد فراهم می‌آورد (ندیکومانا ۲۰۰۶)^۲. بنابراین مبارزه علیه فقر و فساد فقط زمانی قابل تأمل و موفقیت‌آمیز خواهد بود که دو پدیده با هم مورد توجه قرار گیرند، به‌ویژه در کشورهایی که فقیرترینند. اگرچه رابطه بین فقر و فساد در مطالعات زیادی مورد بررسی قرار گرفته (هاستد ۱۹۹۸^۳، گوپتا و همکاران ۲۰۰۲^۴، گیما - بریمپونگ ۲۰۰۲^۵، خاگرام ۲۰۰۵^۶) اما این سؤال که آیا یک رابطه علی بین فساد و فقر براساس مدل داده‌های ترکیبی وجود دارد یا نه؟، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

1- Leite, C. and J. weidmann

2- Ndikumana

3- Husted

4- Gupta et al

5- Gyimah-Brempong

6- khagram

به عبارت دیگر، اکثر مطالعاتی که رابطه بین فقر و فساد را بررسی کرده‌اند، ممکن است به نتایجی در زمینه علیت بین آن دو تنها براساس مدل‌هایی که همبستگی را نشان می‌دهند، دست یافته باشند. بنابراین توصیه‌های سیاستی برای مبارزه علیه فقر و فساد به تنهایی می‌تواند نگران کننده باشد. با در نظر گرفتن این محدودیت، مناسب است که برای کاهش فساد، از طریق سیاست‌های ضد فقر اقدام شود. این تحقیق جهت بررسی رابطه علمی گرنجری بین فقر و فساد انجام گرفته است که در آن از روش تخمین GMM و تمرکز بر قابلیت فقر با استفاده از شاخص فقر انسانی (HPI) که تصویر دقیقی از وضعیت فقر جامعه را به دست می‌دهد، استفاده شده است. نمونه به کار گرفته شده شامل ۱۲۰ کشور در حال توسعه و دوره زمانی ۱۹۹۸-۲۰۰۶ می‌باشد. در ادامه با تعریف فساد و فقر به برخی از مطالعات انجام گرفته در این زمینه اشاره شده و سپس براساس مدل اقتصادی معرفی شده رابطه میان فقر و فساد مورد بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت با توجه به یافته‌های تحقیق، راهکارهایی برای بهبود وضعیت ارائه می‌شود.

تعریف و دامنه فساد

فساد مالی یا اقتصادی در سطوح مختلف از تعاریف گوناگونی برخوردار است. ساده‌ترین و مصطلح‌ترین تعریف فساد مالی، نقض قوانین موجود برای تامین منافع و سود شخصی است. در فرهنگ و بستر^۱ فساد به معنای پاداش نامشروع برای وادار کردن فرد به تخلف از وظیفه است. بانک جهانی (۱۹۹۹) فساد را این گونه تعریف کرده است: فساد سوءاستفاده از منابع عمومی برای منافع شخصی است. بدیهی است که همیشه سوءاستفاده از منابع و امکانات دولتی، صرفاً برای منافع شخصی نیست. بلکه می‌تواند در راستای تأمین منافع یک حزب و تفکر سیاسی خاص، طبقه خاص، دوستان و یا آشنایان خود باشد. فساد ممکن است سوءاستفاده یک جانبه در ادارات دولتی از جمله اختلاس، پارتی بازی و ... یا

1- webster

سوءاستفاده در روابط میان کارگزاران بخش‌های خصوصی و دولتی مانند رشوه، اخاذی، کلاهبرداری و تقلب، اعمال نفوذ به خصوص در مناقشه‌ها باشد. فساد معمولاً در تمام ادارات سیاسی و بوروکراتیک به صورت کوچک یا بزرگ، سازمان‌دهی شده یا نشده می‌تواند وجود داشته باشد.^۱

از آن‌جاکه فساد مبادله‌ای پنهانی و مخفی است، بنابراین اندازه‌گیری و مشاهده آن مشکل خواهد بود. اما برخی از سازمان‌ها و نهادها از جمله بانک جهانی، سازمان شفافیت بین‌الملل و بنیاد پرایز واتر هاوس کوپر^۲ در تلاشند تا شاخص‌های فساد را محاسبه کنند و در تمام این موارد یافته‌ها براساس نظرخواهی از شهروندان، کاسبان و اندیشمندان بوده و نتایج به دست آمده بیش‌تر براساس ادراک است که البته به نوبه خود قابل اطمینان بوده و اعتبار محاسبات آنها در طول زمان مورد تایید بسیاری از مراجع قرار گرفته است. (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۶). یکی از شاخص‌های پیچیده و در عین حال رایج در تحقیقات و مطالعات مربوطه به فساد اقتصادی، شاخص ادراک فساد (CPI)^۳ است که از جامعیت بالایی برخوردار است. چرا که در محاسبه آن جنبه‌های مختلف فساد - که از منابع مختلفی جمع‌آوری می‌شوند - مد نظر قرار می‌گیرند. سازمان شفافیت بین‌الملل (TIO)^۴ هر سال با ارائه گزارشی، کشورهای مختلف را با محاسبه شاخص فساد مربوط به آنها امتیازبندی می‌کند. شاخص CPI، بین دو عدد صفر (حداکثر فساد) و ۱۰ (حداقل فساد) قرار دارد.

تعریف فقر

فقر پدیده پیچیده‌ای است که معمولاً برحسب درآمد تعریف شده و براساس تولید ناخالص داخلی سرانه، اندازه‌گیری می‌شود. خط فقر بر مبنای درآمد کم‌تر از یک دلار برای

1- Chetwynd Eric, Frances Chetwynd, Bertam Spector

2- Price Waterhouse Coopers Foundation

3- Corruption Perceptions Index

4- Transparency International Organization (TIO)

هر نفر در هر روز یا برابری قدرت خرید^۱ تعریف می‌شود. برخی محققان فقر را حداقل درآمد مورد نیاز افراد تحت بررسی تعریف می‌کنند. منتقدان می‌گویند که اندازه‌گیری براساس تولید ناخالص داخلی یا برابری قدرت خرید تمام فقر را بیان نمی‌کند. بنابراین تعریف دیگری از فقر بیان می‌شود که فاکتورهای زیر رادار است:

کمبود درآمد، کاهش سطح سواد و سلامتی، آسیب پذیری (از دست دادن درآمد و سلامتی، فاجعه یا مصیبت‌های ناگهانی، جرم و خشونت، کاهش آموزش)، کاهش قدرت و حق اظهار نظر (احساس تبعیض، کمبود قوانین لازم و...)

در تحقیق حاضر برای اندازه‌گیری فقر از شاخص فقر انسانی که تصویر دقیقی از وضعیت فقر جامعه را به دست می‌دهد استفاده شده است.

شاخص فقر انسانی HPI

$$HPI = \left[\frac{1}{3} (p_1^\alpha + p_2^\alpha + p_3^\alpha) \right]^{\frac{1}{\alpha}}$$

HPI شاخص فقر انسانی برای کشورهای در حال توسعه می‌باشد. این شاخص محرومیت زندگی را از سه بعد منعکس می‌کند: طول عمر، دانش و سطح زندگی (دوراید ۱۹۹۷). فرمول محاسبه این شاخص به شکل زیر است:

p_1 : محرومیت از بعد طول عمر برحسب درصد افرادی که انتظار می‌رود قبل از ۴۰ سالگی بمیرند.

p_2 : محرومیت در دانش برحسب درصد افراد بالغ بی‌سواد.

p_3 : محرومیت در سطح زندگی از ترکیب سه متغیر درصد افرادی که به آب سالم دسترسی ندارند، درصد افرادی که به خدمات بهداشتی دسترسی ندارند و کودکان پنج ساله‌ای که دچار کم‌وزنی هستند به دست می‌آید.

$$\alpha = 3$$

1- Purchasing Power Parity (PPP)

رابطه فقر و فساد

ادبیات و مطالعات تجربی در زمینه رابطه بین فقر و فساد از اواسط ۱۹۹۰ توسعه یافتند. بیش تر تحقیقاتی که تاکنون انجام شده، رابطه مستقیمی را میان فقر و فساد نشان می دهند. البته فساد به تنهایی منجر به فقر نمی شود بلکه به طور مستقیم بر اقتصاد و فاکتورهای حکومتی اثر گذاشته و به این ترتیب با وجود واسطه منجر به ایجاد فقر می شود. تحقیقات در این باره دو مدل زیر را در بر می گیرد^۱:

مدل اقتصادی^۲

این مدل بیانگر آن است، که فساد با تأثیر بر عوامل رشد اقتصادی بر فقر اثر می گذارد. یعنی فساد با کاهش سرمایه گذاری اقتصادی و انحراف بازار، مانع رقابتی شدن بازار شده و این امر، ناکارآمدی و ناکارایی اقتصاد را به دنبال دارد. به این ترتیب، هزینه فعالیت های اقتصادی افزایش یافته و نابرابری درآمدی گسترش می یابد. همچنین رابطه میان فساد و رشد اقتصادی نیز بسیار پیچیده است: در تئوری های اقتصادی، فساد از طرق مختلفی منجر به کاهش رشد اقتصادی می گردد. از جمله فساد منجر به عدم تشویق سرمایه گذاری های داخلی و خارجی می شود، فساد به انحراف سرمایه های عمومی برای مقاصد شخصی منجر شده و فعالیت های رانت و یانه را گسترش می دهد، فعالیت هایی که به صورت رانتی و غیر رسمی عمل می کنند، مالیات نمی پردازند و بنابراین درآمد مالیاتی کاهش می یابد، فساد استعدادها را از فعالیت های مولد به فعالیت های غیر مولد سوق می دهد.

مارو^۳ (۲۰۰۲) در مطالعه خود از ترکیب دو شاخص فساد و رگرسیون چند متغیره در نمونه ای شامل ۱۰۶ کشور نشان می دهد که سطح بالای فساد با کاهش سرمایه گذاری، کاهش تولید ناخالص داخلی و سرانه آن همراه است. او نشان می دهد که اگر شاخص

1- Eric Chetwynd and at al,(2003). Corruption and Poverty: A Review of Recent Literature, Final Report

2- economic model

3- mauro

فساد یک کشور از مقیاس ۶ به ۸ بهبود یابد به افزایش ۴ درصدی نرخ سرمایه‌گذاری سالیانه منجر شده و تولید ناخالص داخلی ۱/۵ درصد رشد خواهد داشت. گوپتا و همکاران (۱۹۹۸) یک مدل نابرابری را با استفاده از ضریب جینی به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری نابرابری درآمد و چندین شاخص فقر مشخص کردند. با به‌کارگیری این مدل، آن‌ها ثابت کردند که افزایش در نابرابری درآمد ایجاد شده از طریق فساد، رشد اقتصادی را کاهش داده و به این وسیله فقر را شدت می‌بخشد. همچنین آن‌ها دریافتند که معافیت‌ها و فرارهای مالیاتی به نفع نخبگان ثروتمند، می‌تواند پایه مالیاتی را کاهش داده و منجر به نابرابری‌های درآمدی بیش‌تر گردیده و همچنین، منافع حاصل از کاهش فقر را به علت ضعف هدف‌گذاری برنامه‌های اجتماعی منحرف سازد. راولین و چن^۱ در مطالعه خود ۶۵ کشور توسعه یافته را در طی سال‌های ۱۹۹۹-۱۹۸۱ مورد مطالعه قرار دادند. آن‌ها دریافتند که تعداد افراد زیر خط فقر در هر روز در کشورهایی که رشد اقتصادی مثبت داشته‌اند کاهش یافته است. در این مطالعه افزایش درآمد با رشد اقتصادی رابطه مثبت داشته است که نشان‌گر آن است که رشد اقتصادی لزوماً به توزیع عادلانه درآمد منجر نمی‌شود، اما این افزایش درآمد می‌تواند به نفع فقرا باشد و آن‌ها را از خط فقر خارج کند. دینسر و گان آلپ (۲۰۰۸)^۲ اثر فساد را بر نابرابری درآمد و فقر در ایالات متحده بررسی کردند. یافته‌های تحقیق نشان داد که افزایش در فساد به افزایش در نابرابری و فقر منجر خواهد شد. در مورد این مطلب که نابرابری درآمد نیز می‌تواند سطوح بالایی از فساد را ایجاد کند، یک توافق عمومی وجود دارد. مهرگان و همکاران (۱۳۹۰) در مطالعه خود نشان دادند که فقر و نابرابری می‌تواند به تشدید جرایم نیز منجر شود. تا زمانی که فساد میزان تولید را کاهش دهد، برای کشورهای فقیر ممکن نخواهد بود که به طور مؤثری بر علیه فساد مبارزه کنند (هاستد و پالدام)^۳. دلار و کرای^۱ در مطالعه خود از هشتاد کشور و برای چهار

1- Ravallion and Chen

2- Dincer and Gunalp

1- Husted and Paldam

2- Dollar and Kray

دهه نشان می‌دهند که اگر درآمد بیست درصد از پایین‌ترین جمعیت بالا رود، به طور متناسب تولید ناخالص سرانه نیز افزایش یافته و با یک درصد افزایش در تولید داخلی، باعث یک درصد افزایش درآمد فقرا خواهد شد. فساد بنا به تعریف، قواعد بازی جامعه (نهاده‌ها) را بر هم می‌زند و این امر به گسترش هزینه‌های معاملاتی می‌انجامد. گسترده‌تری هزینه‌های معاملاتی در هر جامعه، سرمایه‌گذاری، تولید و کارآفرینی را فاقد مزیت و اقتصاد را زمین‌گیر خواهد کرد (خضری، ۱۳۸۴).

مدل حکومتی^۲

در این مدل فساد با تأثیر بر عوامل حکومتی بر فقر اثر می‌گذارد. به عنوان مثال، فساد سرمایه‌های نهادی دولتی را که برای ارائه خدمات عمومی با کیفیت است از میان برده و سرمایه عمومی را از نیازهای اصلی و عمومی به پروژه‌های سرمایه‌ای (که امکان رشوه وجود دارد) منحرف می‌سازد که از نظر ایمنی کار و بهداشت مقبولیت اجتماعی کم‌تری داشته و فشارهای بودجه‌ای دولت افزایش می‌یابد. بنابراین فساد با ایجاد چالش‌های جدی در فعالیتهای دولت بر فقر تأثیرگذار خواهد بود.^۳

فساد عملکرد دولت را خراب کرده و باعث کم شدن خدمات ارائه شده از جانب دولت می‌شود و با تضعیف دولت، احترام به قانون، اعتماد عمومی و سرمایه اجتماعی کاهش می‌یابد و این امر وجوه لازم را برای حمایت از برنامه‌های رشد اقتصادی کاهش می‌دهد. بنابراین از توانایی و ظرفیت دولت برای کمک به شهروندان و افراد فقیر کاسته می‌شود. در تحقیقی که از ۵۴ کشور دارای برنامه‌های استراتژی کاهش فقر^۴ به عمل آمد این نتیجه حاصل شد که میان فقر زدایی و حکمرانی خوب رابطه نزدیکی برقرار است و استراتژی مقابله با فساد بدون استثنا در تمام برنامه‌های فقر زدایی وجود دارد. در کل ۹۰ درصد

3- Governance Model

4- Chetwynd Eric and et al

5- Poverty Reduction Strategy Papers (PRSP)

کشورهایی که برنامه فقر زدایی را به طور کامل اجرا می‌کنند، مقابله با فساد را نیز در استراتژی‌های خود دارند.^۱ دابلا - نوریس و وید (۲۰۰۲) یک مدل نظری را پیشنهاد کردند که توضیح می‌دهد که چرا ثروتمندان تمایل دارند که بر درآمدهای به‌دست آمده از فعالیت‌های فاسد تمرکز کنند. افراد می‌توانند یک هزینه ثابت را در زمانی که آن‌ها منافع را از طریق فساد در مشاغل دولتی دنبال می‌کنند، پوشش دهند، اما در فعالیت‌های تولیدی این امکان وجود ندارد. انگیزه دیگر برای ثروتمندان جهت داخل شدن به فرآیند بروکراسی فاسد این است که آن‌ها می‌توانند داراییشان را در مقابل فعالیت‌های اختصاصی فاسد دیگر مأمورین دولتی محافظت نمایند. بنابراین مدل شامل دلایل هر دو طرف عرضه و تقاضا در رابطه با این مسئله است که چرا دولت فاسد، قلمرو ثروتمندان است. فقیر مولد است و فدایی.

کافمن (۱۹۹۹) در مطالعه خود تأثیر حکمرانی را بر درآمد سرانه ۱۷۳ کشور مورد بررسی قرار داد. در این تحقیق، کنترل فساد به عنوان یکی از شاخص‌های حکمرانی خوب در نظر گرفته شده است. داده‌هایی از ۳۰۰ شاخص حکمرانی در سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ مورد استفاده قرار گرفته و تحلیل‌ها نشان می‌دهد که میان بهبود حکمرانی و افزایش درآمد سرانه ارتباط مثبتی وجود دارد. این مطالعه در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۰ نیز با همین نتیجه انجام شد. عزیزی و پوست فروش تهرانی (۱۳۸۷) جهت بررسی رابطه فقر و فساد با استفاده از تئوری‌های موجود و شواهد آماری سال‌های اخیر، رابطه شاخص‌های فساد با توسعه انسانی را مورد توجه قرار داده‌اند. چرا که در کشورهای برخوردار از شاخص‌های فساد و حکمرانی خوب، شاخص توسعه انسانی نیز بالاست. درحالی‌که در کشورهای فقیر و در حال توسعه، شاخص‌های فساد و حکمرانی نیز وضعیت خوبی ندارند. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که رابطه‌ای دو طرفه و تنگاتنگ میان فقر و فساد وجود دارد. فساد مناسبات دولت و مردم را در جامعه به شدت تخصیصی و تقابلی طلبانه می‌کند. دولتی که عناصری از آن فاسد و رشوه ستانند، می‌کوشد حقایق از دید مردم پوشیده بماند و

1- Eberlei

مردمی که به هر حال از آن واقعیت‌ها باخبر شوند، بیش‌تر و بیش‌تر به حکومت بی‌اعتماد شده و این بی‌اعتمادی مشروعیت آن‌ها را کاهش داده و در نتیجه توان دولت در پیش‌برد سیاست‌ها را تضعیف می‌کند (سیف، ۱۳۷۶).

مدل اقتصادی

مدل تجربی با هدف بررسی رابطه علی گرنجری بین فقر و فساد طراحی شده و از روش تخمین GMM برای داده‌های تابلویی (پانل) استفاده می‌کند. مدل تجربی به‌کار گرفته شده، به‌شکل زیر است:

$$y_{it} = \alpha + \sum_{j=1}^m \delta_j y_{i,t-j} + \sum_{l=1}^n \beta_l y_{i,t-l} + \sum_{k=1}^r \gamma_k z_{i,t-k} + U_{it}$$

به‌طوری‌که متغیرهای x و y مبتنی بر علیت، متغیر فقر یا فساد است. در این مدل از متغیرهای کنترل اصلی (z) به‌عنوان واسطه‌های بین فقر و فساد شامل تورم، ثبات و آزادی سیاسی، جمعیت روستایی و جنسیت استفاده شده است که عبارتند از:

تورم: جنبه متفاوتی از بی‌ثباتی کلان اقتصادی است که همراه نرخ رشد اقتصادی پایین می‌تواند عاملی برای اعمال فشارهای سنگین بر فقرا باشد. تورم، به‌شکل یک مالیات کاهنده عمل خواهد کرد که فشار آن به خصوص بر دوش گروه‌هایی با سطح درآمد پایین قرار دارد، به این دلیل که فقرا تمایل دارند که بیش‌تر ثروت خود را به‌شکل نقد نگهداری کرده و همچنین آن‌ها نسبت به ثروتمندان کم‌تر قادر هستند که ارزش واقعی درآمد و ثروتشان را از تورم حفظ کنند. بنابراین تورم، ارزش واقعی درآمدها و دارایی‌های فقرا را نسبت به ثروتمندان بیش‌تر فرسایش می‌دهد. به علاوه فراتر از یک سطح آستانه معین، تورم، رشد محصول را نیز محدود کرده که این امر حتی افراد فقیری که از پول نقد کم‌تری برای انجام مبادلات خود استفاده می‌کنند، تحت تأثیر قرار خواهد داد. (آمس و همکاران

۲۰۰۲).^۱ همچنین هنگامی که کارگزاران اقتصادی می‌توانند سطح قیمت کالاهایی را که برای شروع یک پروژه سرمایه‌گذاری لازم است بالا ببرند، سطوح تورم بالا و متغیر ممکن است هزینه‌های نظارت کارگزاران را افزایش داده و از این رو موجب فساد بیش‌تر و سرمایه‌گذاری کم‌تر گردد (براون و دی تلا ۲۰۰۰).^۲

آزادی سیاسی و ثبات: کافمن و همکاران (۱۹۹۹)^۳ حکومت‌داری را به‌عنوان «سنت‌ها و نهادهایی که به‌وسیله آن‌ها قدرت در کشور اعمال می‌شود» تعریف می‌کنند. این مهم شامل: (۱) فرآیندی که به‌وسیله آن دولت‌ها انتخاب، تحت کنترل و جایگزین می‌شوند، (۲) ظرفیت دولت‌ها برحسب کارآیی تنظیم شده و سیاست‌ها به‌طور دقیق اجرا می‌شوند، (۳) احترام به شهروندان و دولت از طرف نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی در میان آن‌ها حاکم است، صورت می‌گیرد. عدم شفافیت در قوانین، منطقه مستعدی را برای پرورش فساد ایجاد می‌کند. قوانین اغلب روشن نیستند و تنها حقوق‌دانان آموزش دیده می‌توانند آن‌ها را درک کنند. اسناد مشخص نیز در دسترس عامه مردم نیست (تانزی ۱۹۹۸).^۴ قوانین غیرشفاف متعدد، متناقض و ناهماهنگ منتهایی برای فرصت‌طلبان پدید می‌آورد تا با سوءاستفاده از آن‌ها بتوانند در لابه‌لای آن‌ها به حیات خود ادامه دهند. در تعدادی از کشورها برخی قوانین و مقررات وجود دارد که یک قدرت انحصاری را به مقامات مسئول و صاحب قدرت می‌دهد. در نتیجه اگر فردی به اختیارات یا مجوزهایی نیاز داشته باشد، ممکن است به افرادی که مسئولیت نظارت و بازرسی بر فعالیت‌هایشان را دارند، رشوه پرداخت نموده و آن‌ها را تطمیع کند. از سوی دیگر، ثبات و آزادی سیاسی، فقر را در ابعاد مختلف شامل: توانایی‌ها، فرصت‌ها و امنیت کاهش می‌دهد. فقیر می‌تواند فرآیند سیاست‌گذاری، اولویت‌بندی‌های بودجه‌ای و طراحی برنامه‌هایی که از طریق آن‌ها مشارکت در فرآیند سیاسی و اداری صورت می‌گیرد را تحت تأثیر قرار دهد. این شاخص‌ها براساس اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق بررسی‌های مقطعی متعدد و

1- Ames et al

2- Braun and Di Tella

3- Kaufmann et al

4- Tanzi

نظرسنجی‌های به عمل آمده از صاحب نظران به دست آمده‌اند. کافمن و همکاران (۲۰۰۸) از مدلی که شامل ۲۱۲ کشور برای هر یک از شاخص‌های خود بودند استفاده کردند. آن‌ها ۶ شاخص مختلف را معرفی کرده که هر یک از این شاخص‌ها بعد متفاوتی از حکومت‌داری را ارائه می‌دهد: (۱) قدرت پاسخ‌گویی، (۲) ثبات سیاسی و عدم خشونت، (۳) اثر بخشی دولت، (۴) کیفیت قوانین و مقررات، (۵) قانون‌مداری و (۶) کنترل فساد. به دلیل وجود رابطه خطی بین این شاخص‌ها، متوسط میزان پاسخ‌گویی و ثبات سیاسی به‌عنوان آزادی سیاسی و ثبات و متوسط کارآیی دولت، کیفیت مقررات و نقش قانون به‌عنوان کارآیی دولت تعریف می‌گردد.

جنسیت: مشارکت زنان در بخش عمومی فساد را در کسب و کار و بخش دولتی کاهش می‌دهد. تعدادی از مطالعات انجام گرفته در این زمینه نشان می‌دهند که در کشورهایی با برابری جنسیتی بیش‌تر، سطح فساد پایین‌تر است. (دلار و گاتی، اسوامی و همکاران ۱۹۹۹)^۱ این مطلب حتی زمانی که کشورهایی با سطح یکسانی از آزادی مدنی، آموزش، نهادهای حقوقی و تولید ناخالص داخلی مورد مقایسه قرار می‌گیرند، صحیح است. بنابراین به‌منظور کاهش سطح فساد، بهتر است سیاست‌هایی در جهت بهبود نقش زنان در زندگی اجتماعی و عمومی مدنظر قرار گیرند. اختلافات و نابرابری‌های جنسیتی نه تنها غیرمنصفانه هستند، بلکه می‌توان پیامدهای اقتصادی همچون کاهش رشد اقتصادی و افزایش فقر را نیز به‌دنبال داشته باشد. شواهد گویای آن است که رشد و توسعه اجتماعی به‌طور معناداری نتایج فقر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بدان معنی که در مورد خانوارهایی که در زیر خط فقر قرار گرفته‌اند، زنان نقش اساسی را در جلوگیری از افزایش فقرشان دارند. سیاست‌هایی که نقش و مشارکت اقتصادی زنان را بهبود می‌بخشد می‌تواند پتانسیل‌های آنان را برای کاهش فقر خانوار افزایش دهد (ساب باراو و ازمناری ۱۹۹۵)^۲.

جمعیت روستایی: با وجود جمعیت روستایی گسترده، آن‌ها اغلب فاقد زیر

1- Dollar and Gatti, Swamy et al

2- Subbarao and Ezemenari

ساخت‌های ارتباطی لازم بوده و همین مسئله منافع حاصل از یکپارچگی را در جهت شکل دادن یا حتی دنبال کردن سیاست‌های ملی مشکل می‌سازد. تنوع جوامع روستایی نیز مواعی را در رابطه با مشارکت ایجاد می‌کند. در برخی نواحی، وجود گروه‌های متفاوت به لحاظ فرهنگی، زبانی و مذهبی سبب ایجاد تنوع بیش‌تری در قدرت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خواهد شد. ارتقای زیر ساخت‌های روستایی می‌تواند ابزاری برای بهبود حکومت‌های محلی و کاهش فساد از طریق ایجاد روش‌های شفاف و پاسخ‌گو جهت تنظیم اولویت‌ها، تصمیم‌گیری‌ها، اجرا، عملکرد و نظارت باشد. به علاوه در بیش‌تر کشورهای در حال توسعه، احتمال فقر و شدت آن در نواحی روستایی به دلیل پنج ویژگی فضای روستایی بیش‌تر است: ۱) وابستگی شدید به منابع طبیعی برای گذران زندگی که این امر محیط زیست را در معرض خطر بالایی قرار می‌دهد. ۲) تراکم جمعیت کم و محدودیت‌های جغرافیایی که منجر به افزایش هزینه‌های معاملاتی و محدودیت دسترسی به زیر ساخت‌های فیزیکی و اجتماعی خواهد شد. ۳) یک اقتصاد غیرقانونی که تأمین اهداف کاهش فقر را برای سیاست‌گذاران با مشکلات بیش‌تری مواجه می‌کند. ۴) تفاوت‌های زبانی و فرهنگی که منجر به محدودیت در آراء و مشارکت در فرایندهای تصمیم‌گیری ملی و یا حتی محلی خواهد شد. ۵) عدم به رسمیت شناختن نقش زنان در برنامه‌های مولد درآمد (کرد ۲۰۰۲)^۱. در حال حاضر نزدیک به ۷۵٪ جمعیت جهان در مناطق روستایی ساکن هستند و با این روند، درصد جهانی فقرای روستایی به زیر ۵۰٪ تا قبل از سال ۲۰۳۵ کاهش نخواهد یافت (راوالیون و آلدرومن ۲۰۰۱)^۲.

در تخمین پانل، هیچ‌کدام از تخمین‌های حداقل مربعات تعمیم یافته (GMM) و اثرات ثابت (FX) تخمین‌های سازگاری را در رابطه با رگرسورهای درونی و پویا تأمین نمی‌کنند (بالتاجی ۱۹۹۵)^۳. آرانو و باند^۴ (۱۹۹۱) یک روش جامع پانل پویای لحظه‌ای را ارائه

1- Cord
1- Baltagi

2- Ravallion and Alderman
2- Arellano and Bond

دادند که عبارت از تخمین یک متغیر ابزاری (IV) است که از همه مقادیر گذشته رگرسورهای درونی همانند مقادیر جاری رگرسورهای برونی به عنوان متغیر ابزاری استفاده می کند. تخمین آرلانو - باند از طریق تبدیل تمامی متغیرها و بطور معمول با تفاضل گیری آغاز می شود و از روش تعمیم یافته لحظه ای که GMM تفاضلی نامیده می شود استفاده می کند. این روش همچنین با در نظر گرفتن این فرض اضافی که تفاضل مرتبه اول متغیرهای ابزاری با اثرات ثابت ناهمبسته است، تقویت می شود. این امر موجب معرفی متغیرهای ابزاری بیش تر گردیده که می تواند کارآیی را به شکل چشمگیری بهبود بخشد.

هر دو روش GMM تفاضلی و روش GMM روش هایی هستند که برای موقعیت های ویژه ای طراحی شده اند: مقادیر T کوچک (دوره زمانی کوتاه) و N بزرگ (تعداد بیش تر)، توابع خطی، یک متغیر پویای منفرد در سمت چپ که به مقادیر گذشته خود وابسته است، متغیرهای مستقل که برونزا نبوده بدین معنی که با مقادیر احتمالی جاری و گذشته خطا همبسته هستند، اثرات ثابت انفرادی و عدم تجانس و خود همبستگی در داخل افراد (نه در بین آنها).

آزمون این که آیا x علت گرنجری y است در حقیقت آزمون فرضیه $\beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_n$ برابر صفر است (آزمون والد) که پس از کنترل وقفه های y و تأثیر متغیرهای کنترل اضافی (z) به دست می آید.

نتایج تخمین

اثرات فساد بر فقر، روش تخمین GMM دو مرحله ای

نتایج تجربی معادلات فقر در جدول ۱ نشان داده شده اند که ستون های آن خصوصیات متفاوت معادله فقر را نشان می دهد. در همه مدل ها متغیر مورد نظر فساد است. در حالت اول متغیر کنترل وجود ندارد، در حالی که در حالت دوم، جمعیت روستایی (به صورت درصد از جمعیت کل) به عنوان یک متغیر کنترل استفاده شده است. در حالت سوم، متغیر

جنسیت (نرخ مشارکت نیروی کار زن) متغیری است که به جمعیت روستایی به عنوان متغیر کنترل دوم اضافه شده و در حالت چهارم متغیر تورم به متغیرهای جمعیت روستایی و جنسیت به عنوان یک متغیر کنترل دیگر اضافه می‌شود. در نهایت در حالت پنجم، شاخص ثبات و آزادی سیاسی به متغیرهای جمعیت روستایی، تورم و جنسیت به عنوان متغیر کنترل نهایی اضافه شده است. در همه حالت‌ها تعداد وقفه فساد ۴ بوده و تعداد وقفه‌های متغیر وابسته (فقر) ۲ می‌باشد. تعداد وقفه بهینه در حدی تعیین می‌شود که همبستگی سریالی در پسماندهای به دست آمده وجود نداشته باشد (آرلانوس ۲۰۰۳). بنابراین برای انتخاب تعداد وقفه بهینه، آماره‌های $AR(1)$ و $AR(2)$ مد نظر قرار می‌گیرند. نتایج در همه حالت‌ها نشان می‌دهد که یک رابطه معنادار بین فقر و فساد وجود دارد. جمعیت روستایی در حالت ۵-۲ همان‌طور که انتظار می‌رفت یک اثر مثبت بر روی فقر دارد و در سطح ۱٪ به لحاظ آماری معنادار است. این اثر مثبت با نتایج تحقیقات راولیون (۲۰۰۰)، آلدردمن (۲۰۰۱) و کرد (۲۰۰۲) منطبق است که بحث می‌کنند که در کشورهای در حال توسعه احتمال فقر و شدت آن در نواحی روستایی بیش‌تر است.

در حالت ۳-۵ ضریب متغیر جنسیت منفی و در سطح ۱٪ معنادار است. بیان‌گر این مطلب که زنان نقش مهم و با اهمیتی در جلوگیری از افزایش فقر خانوار دارند. این یافته با نتایج تحقیقات ساپاراو و ازمنازی (۱۹۹۵) سازگار است. تورم با وقفه یک اثر مثبت و معنادار بر روی فقر در حالت‌های ۴ و ۵ دارد که با یافته‌های آمس و همکاران (۲۰۰۲) منطبق است. در نهایت در معادله ۵ آزادی سیاسی و ثبات به عنوان یک شاخص حکومت‌مداری (نظارتی) اثری منفی و معناداری بر روی فقر در سطح معناداری ۱٪ دارد. ضریب منفی متغیر مذکور با نتایج تحقیق گریشانکار و همکاران (۲۰۰۲) سازگار است.

رابطه علی گرنجری می‌تواند از طریق آزمون معناداری برابر صفر قرار دادن ضرایب متغیر فساد با وقفه انجام شود. اگر فرض صفر عدم وجود رابطه علیت رد شود، یک نتیجه ممکن این است که فساد علت گرنجری فقر است. برای این منظور، آزمون علی گرنجری

(Wald Test) برای همه حالت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که فساد در سطح معناداری ۵٪ علت فقر است. از این رو اطلاعات پیشین در رابطه با فساد می‌تواند به بهبود پیش‌بینی فقر کمک کند.

اثرات فقر بر فساد، روش تخمین GMM دو مرحله‌ای

تخمین معادلات فساد در جدول ۲ نشان داده شده‌اند که ستون‌های آن خصوصیات متفاوت معادله فساد را نشان می‌دهد. در همه مدل‌ها متغیر مورد نظر فقر است. در حالت اول متغیر کنترل وجود ندارد، درحالی‌که در حالت دوم، جمعیت روستایی (به صورت درصد از جمعیت کل) به عنوان یک متغیر کنترل استفاده شده است. در حالت سوم، متغیر جنسیت (نرخ مشارکت نیروی کار زن) متغیری است که به جمعیت روستایی به عنوان متغیر کنترل دوم اضافه شده و در حالت چهارم متغیر تورم به متغیرهای جمعیت روستایی و جنسیت به عنوان یک متغیر کنترل دیگر اضافه می‌شود. در نهایت در حالت پنجم، شاخص ثبات و آزادی سیاسی به سه متغیر دیگر به عنوان متغیر کنترل نهایی اضافه شده است. بر طبق آماره‌های $AR(1)$ و $AR(2)$ در همه حالت‌ها تعداد وقفه فقر ۳ بوده و تعداد وقفه‌های متغیر وابسته (فساد) هم ۳ است. نتایج در همه حالت‌ها نشان می‌دهد که یک رابطه معنادار بین فقر و فساد وجود دارد. ضریب متغیر جمعیت روستایی با وقفه در حالت ۲-۵ همان‌طور که انتظار می‌رفت منفی است و در سطح ۱٪ به لحاظ آماری معنادار است. که نشان می‌دهد افزایش جمعیت روستایی با افزایش فساد مرتبط است (کاهش در CPI) که این اثر مثبت با نتایج تحقیقات کرد (۲۰۰۲) منطبق است.

در حالت ۳-۵ ضریب متغیر جنسیت با وقفه، مثبت اما بی‌معنی است. به عبارت دیگر، افزایش نقش زنان در زندگی اجتماعی با کاهش فساد مرتبط است (افزایش در CPI) این اثر منفی با یافته‌های دلار و گاتی (۱۹۹۹) و همچنین اسوامی و همکاران (۱۹۹۹) سازگار است. در حالت‌های ۴ و ۵ ضریب تورم منفی و تفاوت معناداری با صفر در سطح ۱٪

داشته که نشان می‌دهد افزایش در تورم، فساد را نیز افزایش می‌دهد (کاهش در CPI) این نتایج با یافته‌های دی تلا و براون (۲۰۰۰) منطبق است. در نهایت در حالت ۵، ضریب متغیر آزادی سیاسی و ثبات مثبت و در سطح ۱٪ معنادار است. این اثر مثبت مورد انتظار نشان می‌دهد که افزایش ثبات و آزادی سیاسی به‌عنوان یک شاخص حکومت‌داری، مشابه با نتایج تحقیق تانزی (۱۹۸۸) فساد را کاهش می‌دهد.

رابطه علی گرنجری می‌تواند از طریق آزمون معناداری برابر صفر قرار دادن ضرایب متغیر فساد با وقفه انجام شود. اگر فرض صفر عدم وجود رابطه علیت رد شود، یک نتیجه ممکن این است که فقر علت گرنجری فساد است. برای این منظور، آزمون علی گرنجری (Wald Test) برای همه حالت‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که فقر در سطح معناداری ۵٪ علت فساد است. از این رو اطلاعات پیشین در رابطه با فقر می‌تواند به بهبود پیش‌بینی فساد کمک کند.

آزمون‌های تشخیصی

دو نوع آزمون تشخیصی برای سنجش صحت روش‌های تجربی، مورد استفاده قرار می‌گیرد. پیش از آنالیز نتایج حاصله، بایستی اعتبار ابزار مورد استفاده در روش GMM را با استفاده از تست «سارگان» که محدودیت‌های پس از تعریف را بررسی می‌کند، مورد آزمون قرار دهیم. فرضیه آزمون فوق این است که متغیرهای ابزاری، با برخی از مجموعه‌های باقیمانده، نامرتب بوده و بنابراین، ابزار قابل قبولی هستند. نتایج آزمون سارگان در روش تخمین GMM در جداول (۱) و (۲) نشان داده شده است. براساس این آزمون، برای همه مدل‌ها، مقدار p-value به دست آمده بالا نشان می‌دهد که فرض صفر عدم وجود محدودیت‌های تشخیصی رد نمی‌شود. به عبارت دیگر آماره‌های آزمون سارگان بیان‌گر این مطلب‌اند که همه خصوصیات به خوبی مشخص شده و بردار ابزارها

مناسب است. دومین آزمون به وسیله آرانو و باند (۱۹۹۱) ارائه شد. آزمون مذکور این فرضیه را که جملات پسماند برای رگرسیون‌های تخمینی دارای همبستگی مرحله اول (نه همبستگی مرحله دوم) هستند را بررسی می‌کند. در واقع آزمون دوم آماره‌های $AR(1)$ و $AR(2)$ را برای نشان دادن همبستگی سریالی در رابطه با تفاضل مرتبه اول پسماندها آزمایش می‌کند. نتایج آزمون برای خودهمبستگی مرتبه اول $AR(1)$ نشان می‌دهد که فرض صفر رد می‌شود. مقادیر p -value آماره‌های آرانو و باند در جداول (۱) و (۲) در سطح ۱٪ معنادار می‌باشند. نتایج آزمون برای خودهمبستگی مرتبه دوم $AR(2)$ فرض صفر عدم وجود خودهمبستگی را رد نمی‌کند. آماره‌های گزارش شده مقادیر p -value را (بیان‌گر احتمال صحت رد فرض صفر عدم وجود خودهمبستگی است) نشان می‌دهند. در کل نتایج آزمون آرانو و باند گویای این مطلبند که متغیرهای ابزاری مورد استفاده، مستقل از عبارت خطا بوده (خودهمبسته نیستند) و از این رو برای تخمین مناسبند.

نتایج و توصیه‌های سیاستی

این مقاله با هدف بررسی رابطه علی بین فقر و فساد انجام گرفته است. برای این منظور، داده‌های ۱۲۰ کشور در حال توسعه در طول سال‌های ۱۹۹۸-۲۰۰۶ و روش تخمین GMM در رابطه با داده‌های تابلویی مورد استفاده قرار گرفت. از طریق تمرکز بر قابلیت فقر با به‌کارگیری شاخص فقر انسانی HPI، یافته‌های تجربی نشان می‌دهد که فقر و فساد با جهت‌گیری علی دو طرفه، حرکتی هم جهت دارند. بنابراین لازم است که استراتژی‌های کاهش فقر و مبارزه با فساد مکمل یکدیگر بوده و تلاش در جهت کاهش فقر به وسیله اقدامات جدی برای کاهش فساد دنبال گردد. مبارزه علیه فساد تحت عنوان «تقویت حکومت خوب»^۱ یک نقش کلیدی را در کاهش فقر بازی می‌کند (TI۲۰۰۸). مبارزه علیه فساد و فقر شامل بهبود التزام شهروندان و قدرت پاسخ‌گویی دولت است. از آن جا که ممانعت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بالاترین میزان خود برای افراد فقیر وجود

1- strengthening good governance

دارد، بنابراین آن‌ها اغلب مجبور به توسل به شیوه‌های فاسد بوده و این امر چالشی بزرگ برای توسعه جامعه خواهد بود. جهت اعمال سیاست‌های ضد فساد فقرگرا^۱، توجه به سرمایه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در تجزیه و تحلیل فقر، لازم و ضروری است. به علاوه سیاست‌ها باید هرچه بیش‌تر این دقت را در رابطه با عواملی که فرصت‌ها را برای دسترسی اقشار فقیر به فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی و اقتصادی محدود می‌کند، داشته باشند. حداقل سه گروه از مداخلات ضد فساد فقرگرا در کشورهای در حال توسعه پیشنهاد می‌شود که عبارتند از: ترویج جامعیت، ترویج قانونی بودن و ترویج پاسخ‌گویی (رشید و همکاران)^۲.

ترویج جامعیت: محروم سازی‌های اجتماعی که مشارکت شهروندان را در فرآیندهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی محدود می‌کند، متناقض با مفهوم «دولت خوب» بوده و از نظر تئوریک نیز جایگاهی در کشورهای دموکراتیک ندارد. ترویج جامعیت می‌تواند جبران خسارتی برای توانمندسازی گروه‌هایی که در طول تاریخ در حاشیه (گروه‌هایی که در مرحله دوم اولویت و اهمیت) قرار گرفته‌اند، باشد. از این رو جامعیت تا حد زیادی مرتبط با موضوع توانمندسازی و عدم تمرکز است.

ترویج قانونی بودن: قانونی بودن و مشروعیت در ارتباط نزدیکی با مفاهیمی همچون عدالت، تبهکاری، رفع تعارض، خشونت اجتماعی، صلح و امنیت و حقوق بشر قرار دارد. فساد دشمن عدالت، ثروت و اعتماد است. آندرسن^۳ (۱۹۹۹) تعدادی از مکانیزم‌هایی که از طریق آن‌ها بی‌قانونی و فقر با یکدیگر ارتباط پیدا می‌کنند را مطرح کرد. از جمله این‌که، فقرا بیش‌تر در معرض آسیب‌پذیری از رفتار مستبدانه، ارباب و تحقیر مقامات اجتماعی قرار می‌گیرند. همچنین افراد فقیر دارای ریسک بیش‌تری برای ائتلاف استعدادهایشان در مسیر سرقت‌های شخصی و عمومی می‌باشند.

1- pro-poor

2- Abd Rashid and at al

3- Anderson

ترویج پاسخ‌گویی: پاسخ‌گویی بدین معنی که دولت در مقابل اعمال خود پاسخ‌گو بوده و بتواند آن‌ها را ضمانت اجرایی نماید. ارتباط مستقیم بین گروه‌هایی که از نظر اولویت در مرحله دوم قرار گرفته‌اند و مسئولان دولتی که از قدرت پاسخ‌گویی بیش‌تری برخوردارند، به‌عنوان اولین قدم در توسعه سیاست‌های ضد فساد فقرگرا تلقی می‌گردد. مبارزه و نبرد بر علیه فقر و فساد از یک سو به این معنی است که موانع و گرفتاریهایی که بر سر راه اشتغال شهروندان و پاسخ‌گویی حکومت وجود دارد، از میان برداشته شود. درحالی‌که اکثر کشورهای در حال توسعه ادعای برابری مشارکت و تساوی حقوق شهروندان را دارند، اما به‌ندرت در عمل افراد فقیر را به‌کار می‌گیرند.



پیوست

جدول ۱. نتایج تخمین روش GMM دو مرحله‌ای (اثر فساد بر فقر) - متغیر وابسته: Log(HPI)_t

متغیر	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
Log(HPI)_{t-1}	۰/۳۴۵ (۳۰/۸۱) ^{***}	۰/۳۲۸ (۲۴/۳۰) ^{***}	۰/۳۴۰ (۱۴/۰۷) ^{***}	۰/۲۲۵ (۱۰/۳۵) ^{***}	۰/۲۱۳ (۸/۹۹) ^{***}
Log(HPI)_{t-2}	۰/۰۵۱ (۰/۱۱)	-۰/۰۹۱ (-۴/۵۱)	-۰/۱۲۱ (-۰/۳۲) ^{***}	-۰/۰۸۲ (-۳/۳۵) ^{***}	-۰/۰۸۲۴ (-۴/۳۳) ^{***}
Log(CPI)_{t-1}	۰/۰۳۹ (۱/۴۴)	۰/۱۰۱ (۱/۸۹) [°]	۰/۰۱۳ (۰/۲۵)	(-۰/۰۷۵) (-۰/۶۶)	۰/۰۱۵ (۲/۴۲) [°]
Log(CPI)_{t-2}	۰/۰۱۲ (۱/۰۸)	۰/۰۱۸ (۱/۰۲)	۰/۰۲۰ (۱/۳۴)	۰/۰۴۷ (۰/۳۹)	۰/۰۵۰ (۰/۸۷)
Log(CPI)_{t-3}	۰/۰۳۷ (۲/۲۸) [°]	۰/۰۲۱ (۱/۹۸) [°]	۰/۳۶۷ (۲/۵۰) [°]	۰/۳۷۱ (۸/۰۴) ^{***}	۰/۳۴۰ (۲/۷۶) [°]
Log(CPI)_{t-4}	-۰/۰۰۹ (-۲/۳۳) [°]	-۰/۰۸۲ (-۱/۹۷) [°]	-۰/۰۵۸ (-۲/۸۰) [°]	-۰/۰۶۶ (-۲/۴۴) [°]	۰/۰۲۲ (۰/۱۳۱)
Log(Rural)_t		۰/۲۰۹ (۴/۸۱) ^{***}	۰/۱۱۲ (۶/۳۹) ^{***}	۰/۲۹۱ (۶/۰۸) ^{***}	۰/۰۳۱ (۵/۳۴) ^{***}
Log(Gender)_t			-۰/۰۰۹ (-۲/۹۹) ^{***}	-۰/۰۱۳ (-۴/۰۲) ^{***}	-۰/۲۶۱ (-۴/۸۱) ^{***}
$\text{Log(Inflation)}_{t-1}$				۰/۰۷۷ (۵/۱۸) ^{***}	۰/۰۵۹ (۴/۶۰) ^{***}
$\text{Log(politicalfreedom)}$					-۰/۰۸۸ (-۵/۷۰) ^{***}
$\text{AR}(1), (p\text{-value})$	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳
$\text{AR}(2), (p\text{-value})$	۰/۶۶۱	۰/۲۳۲	۰/۴۳۱	۰/۲۲۰	۰/۱۸۹
Sargan test Wald test:	۰/۷۵۱	۰/۳۰۱	۰/۳۹۴	۰/۳۳۰	۰/۳۷۴
$(H_0: \text{log(CPI)}_{t-1} = 0)$	(۲۹۰/۱) ^{***}	(۱۴۸/۳) ^{***}	(۱۶۰/۲) ^{***}	(۱۹۰/۴) ^{***}	(۵۴۳) ^{***}

پرتال جامع علوم انسانی

همه مدل‌ها با توجه به روش تخمین GMM آرلانو و باند تخمین زده شده‌اند. ارقام داخل پرانتزها نشان دهنده آماره t بوده و علامت *** بیانگر معناداری در سطح ۱٪، ** بیانگر معناداری در سطح ۵٪ و * بیانگر معناداری در سطح ۱۰٪ است.

جدول ۲. نتایج تخمین روش GMM دو مرحله‌ای (اثر فقر بر فساد) - متغیر وابسته: Log(CPI)_t

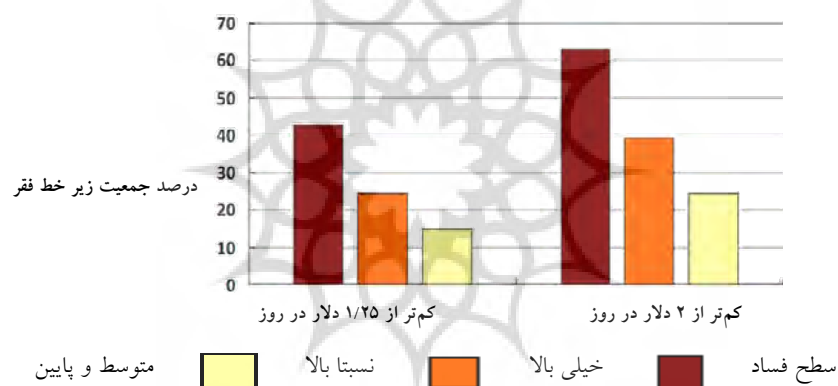
متغیر	مدل (۱)	مدل (۲)	مدل (۳)	مدل (۴)	مدل (۵)
Log(CPI)_{t-1}	۰/۰۹۳ (۳۴/۲۷) ^{***}	۰/۵۶۱ (۲۸/۱۰) ^{***}	۰/۵۳۲ (۲۴/۷۱) ^{***}	۰/۴۵۷ (۱۸/۱۲) ^{***}	۰/۴۴۰ (۱۵/۸۷) ^{***}
Log(CPI)_{t-2}	۰/۰۱۹ (۳/۴۱) ^{***}	۰/۰۴۱ (۳/۰۷) ^{***}	۰/۰۱۱ (۵/۱۹) ^{**}	۰/۰۰۹ (۴/۱۴) ^{***}	۰/۰۱۳ (۲/۷۹) ^{**}
Log(CPI)_{t-3}	۰/۰۰۲ (۰/۵۱)	۰/۰۰۷ (۰/۶۰)	-۰/۰۰۱ (-۰/۵۸)	۰/۰۰۴ (۰/۳۲)	۰/۰۰۴ (۰/۶۱)
Log(HPI)_{t-1}	-۰/۳۰۱ (-۲/۲۹) ^{**}	-۰/۲۰۵ (-۱/۹۸) ^{**}	-۰/۱۷۷ (-۵/۰۹) ^{***}	-۰/۰۰۱ (-۲/۵۱) ^{**}	-۰/۱۱۸ (-۲/۴۹) ^{**}
Log(HPI)_{t-2}	۰/۰۷۳ (۲/۵۶) ^{**}	۰/۲۱۹ (۱/۹۹) ^{**}	۰/۱۱۷ (۳/۰۹) ^{***}	۰/۰۴۱ (۲/۳۱) ^{**}	۰/۲۳۱ (۲/۴۸) ^{**}
Log(HPI)_{t-3}	-۰/۰۵۱ (-۲/۶۸) ^{**}	-۰/۷۷ (-۰/۹۱)	۰/۰۱۱ (۰/۳۴)	-۰/۰۰۸ (-۰/۱۴)	-۰/۰۱۷ (-۰/۲۵)
Log(Rural)_{t-1}		-۰/۲۴۱ (-۶/۱۸) ^{***}	-۰/۱۱۹ (-۵/۷۹) ^{***}	-۰/۴۱۲ (-۳/۱۷) ^{***}	-۰/۰۲۹ (-۸/۰۱) ^{***}
Log(Gender)_{t-1}			۰/۰۰۴ (۰/۸۷)	۰/۰۹۱ (۱/۰۴)	۰/۰۳۱ (۱/۶۳)
Log(Inflation)_t				-۰/۰۱۶ (-۶/۵۶) ^{***}	-۰/۰۱۲ (-۳/۰۱) ^{***}
$\text{Log(politicalfreedom)}_t$					۰/۰۲۵ (۴/۴۰) ^{***}
AR(۱),(p-value)	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۰۹
AR(۲),(p-value)	۰/۹۴۱	۰/۶۶۷	۰/۵۰۹	۰/۷۲۰	۰/۷۰۸
Sargan test Wald test:	۰/۳۱۲	۰/۲۸۱	۰/۳۵۴	۰/۳۳۹	۰/۳۶۹
$(H_0: \text{log(CPI)}_{t-i} = 0)$	(۱۱/۰۱) ^{***}	(۹۸/۴) ^{***}	(۵۰/۱) ^{***}	(۴۷/۱) ^{***}	(۳۰/۶) ^{***}

همه مدل‌ها با توجه به روش تخمین GMM آرلانو و باند تخمین زده شده‌اند. ارقام داخل پرانتزها نشان دهنده آماره t بوده و علامت *** بیانگر معناداری در سطح ۱٪، ** بیانگر معناداری در سطح ۵٪ و * بیانگر معناداری در سطح ۱۰٪ است.

جدول ۳. منابع داده‌های آماری

منبع داده	حالت اختصاری	واحد اندازه‌گیری	متغیر
TI	CPI	۰-۱۰	شاخص درک فساد
WDI	Inflation	%	تورم
WDI	Rural	% از کل جمعیت	جمعیت روستایی
WDI	Gender	%	نرخ مشارکت نیروی کار زن
کافمن و همکاران (۲۰۰۸)	Political Freedom	انحراف معیار	آزادی سیاسی و ثبات
HDR, UNDP	HPI	%	شاخص فقر انسانی

• ارتباط بین فساد و درصد جمعیت زیر خط فقر در کشورهای در حال توسعه:



منبع: بانک جهانی، کافمن، کرای، مستروزی، شاخص جهانی حکومت‌مداری (نظارت) WGI، (۲۰۰۸): همه متغیرها به صورت متوسط سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۸ بیان شده‌اند.

- ابوالقاسمی، ع. نریمانی، م. ۱۳۸۴. آزمون‌های روان‌شناختی. اردبیل، انتشارات باغ رضوان. چاپ اول.
- پاتریک امام، داوینا جاکوبز، ترجمه: محمد جواد حق شناس، تأثیر فساد بر درآمدهای مالیاتی در خاورمیانه، هفته‌نامه علمی - تحلیلی سازمان بازرسی، معاونت برنامه‌ریزی و مدیریت منابع، مرکز پژوهش و برنامه‌ریزی، مرداد ۱۳۸۹.
- تانزی، ویتو، (۱۳۸۷) مسئله فساد، فعالیت‌های دولتی و بازار آزاد، ترجمه بهمن آقایی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۹ و ۱۵۰.
- دادگر، حسن، (۱۳۸۷)، فساد مالی: عوامل و راهکارهای خلاصی، تهران: مؤسسه دانش و اندیشه معاصر.
- سیف، احمد، ۱۳۸۶، مقدمه‌ای بر اقتصاد سیاسی، تهران، نشر نی.
- خضری، محمد (۱۳۸۴)، تحلیل نهادی فساد اداری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۸، شماره ۳، شماره مسلسل ۲۹.
- عزیز خانی، فاطمه، پوست فروش تهرانی، ایمان. (۱۳۸۷)، مروری بر رابطه فقر و فساد، فصلنامه مجلس و پژوهش، سال چهاردهم، شماره ۵۸.
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، مکانیسم تأثیرگذاری فساد بر توسعه اقتصادی، بهمن ۱۳۸۶.
- مهرگان نادر، گرشاسبی فخر سعید (۱۳۹۰)، نابرابری درآمد و جرم در ایران، پژوهش‌های اقتصادی زمستان ۱۳۹۰؛ ۱۱ (۴): ۱۰۹-۱۲۵.
- Alderman, H. (2001). What Has Changed Regarding Rural Poverty Since Vision to Action?. Rural Strategy Background Paper 5. World Bank, Washington, D. C.
- Ames, B. , Brown,W. , Devarajan, S. , and Izquierdo, A. (2002). Poverty Reduction Strategy Sourcebook. Chapter 12, **Macroeconomic issues**. World Bank, Washington D. C.
- Anderson, M. (1999). **Access to justice and legal process: making legal institutions responsive to poor people in LDCs**. Conference Paper, WDR 2000. Caste Donnington, UK, 16-17 August.
- Arellano, M. (2003). **Panel Data Econometrics**. Oxford University Press, New York.
- Arellano, M. , and Bond, S. (1991). Some tests of specification for panel data: Monte Carlo evidence and an application to employment equations. **Review of Economic Studies** 97: 58-277.

- Baltagi, B. H. (1995). **Econometric Analysis of Panel Data**. Wiley: New York.
- Braun, M. , and Di Tella, R. (2000). **Inflation and Corruption**. Working Paper 00-053. Harvard Business School, Division of Research.
- Cord, L. (2002). **Poverty Reduction Strategy Sourcebook**. Chapter 15, Rural Poverty. Washington D. C. ,The World Bank.
- Dabla-Norris, E. , and Wade, P. (2002). Production, **Rent Seeking and Wealth Distribution**. Washington,D. C.: International Monetary Fund.
- Dincer, C. , and Gunalp, B. (2008). Corruption, Income Inequality, and Poverty in the United States. Working Papers No. 54, Fondazione Eni Enrico Mattei.
- Dollar, D. , and Gatti, R. (1999). Gender Inequality, Income, and Growth: Are Good Times Good for Women?. Working Paper Series No. 1, Policy Research Report on Gender and Development. Development Research Group/ **Poverty Reduction and Economic Management Network**. World Bank, Washington, D. C.
- Eberlei, W. (2007). Accountability In Poverty Reduction Strategies: The Role Of Empowerment And Participation. Social Development Papers: **Participation And Civic Engagements**. Paper No. 104.
- Eberlei Walter, Dip-okon. Bettina Fuhrmann, 2004. Fighting Poverty and Corruption, Intergrating the Fight Against Corruption in to the PRS **Process Analysis and Recommendations for Development Cooperation**, Division 12, Publisher: Deutsche Gesellschaft Fur, Eschborn.
- Gupta, S. , Davoodi, H. , and Alonso Terme, R. (2002). Does Corruption Affect Income Inequality and Poverty?. **Economics of Governance** 3: 23-45.
- Husted, B. (1999). Wealth, Culture and Corruption. Journal of **International Business Studies** 30(2): 339-360.
- Karstedt, S. (2001). **The culture of inequality and corruption: A cross-cultural analysis of corruption**.
- Kaufmann, D., Kraay, A., and Mastruzzi, M. (2008). Governance Matters VII: Aggregate and Individual Governance Indicators 1996-2007. **Policy Research Working Paper** 4654, World Bank.
- Kaufmann, D. (2010). Governance and the Millennium Development Goals (MDGs): Results, **Reflections and Implications for Debate**. Development Cooperation of Belgium.
- Leite, C. and J. weidmann, **Does mother nature corrupt? Natural resource, corruption.**, July 8and economic growth, IMF, wp.
- Ndikumana, L. (2006). Corruption and pro-poor growth outcomes: evidence and lessons for African countries. **Working Paper Series** No. 120, **Political Economy Research Instituted**.

- Negin, V. , Abd Rashid, Z. , Nikopour, H. (2010). The Causal Relationship between Corruption and Poverty: **A Panel Data Analysis**. **Department of Economics**, Faculty of Economics and Management University Putra Malaysia (UPM).
- Paldam, M. (2002). The Big Pattern of Corruption, Economics, Culture and the Seesaw Dynamics. **Journal of Political Economy** 18: 215-240.
- Ravallion, M. (2000). **On the Urbanization of Poverty**. World Bank. Washington, D. C. Processed.
- Rose-Ackerman, S. (1978). **Corruption: A Study in Political Economy**. NY: Academic Press.
- Subbarao, K., and Ezemenari, K. (1995). **Transition, Poverty and Social Assistance in Mongolia**. Discussion Paper No. 55. Education and Social Polity Department. World Bank, Washington, D. C.
- Swamy, A. , Nkack, S. , Lee, Y. , and Azfar, O. (1999). **Gender and Corruption**. Center for Institutional Reform and the Informal Sector, University of Maryland. College Park, Md.
- Tanzi, V. (1998). Corruption Around the World: Causes, Scope, and Cures. **IMF Working Paper** No. WP/98/63.
- TI (Transparency International Organization).
<http://www.transparency.de>
- Transparency International. **Global Corruption Report**. (Oxford, United Kingdom: Oxford University Press, 2007).
- You, J. S. , Khagram, S. (2005). A Comparative Study of Inequality and Corruption. **American Sociological Review** 70(1): 136-157.
- World Bank (2000). **Making Transition Work For Everyone: Poverty and Inequality in Europe and Central Asia**. Washington D. C.: The World Bank.